

## تصحیح مرآةالازمان در آینه نقد

محمد مشهدی نوش‌آبادی\*

جعفر امشاسفند\*\*

### چکیده

کتاب مرآةالازمان از آثار علامه محمد بن محمد زمان کاشانی از عالمان قرن دوازده هجری اخیراً به همت آقای مهدی دهباشی منتشر شده است اما آنچنان که باید و شاید در تصحیح و نشر آن ملاحظات معمول تحقیق و تصحیح رعایت نشده است. در این مقاله ابتدا به نقد مقدمه مصحح، شیوه تحقیق و فهرس کتاب و سپس به غلط‌های استنساخی و چاپی متن اصلی اعم از اشتباهات «حروف و کلمات» و «حرکات و علامات اعراب» پرداخته شده است.

کلیدواژه: مرآةالازمان، محمد بن محمد زمان، مصحح، نقد، تحقیق، مقدمه، فهرس، اغلاط.

مرآةالازمان، محمد بن محمد زمان کاشانی، تصحیح، تحقیق، نقد و مقدمه مهدی دهباشی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۱.  
مرآةالازمان، از جمله آثار فیلسوف، متکلم و فقیه سده دوازدهم هجری علامه ملا محمد بن محمد زمان نوش‌آبادی کاشانی است که آنرا در رد نظریه «حدوت دهری» میرداماد و اثبات زمان موهوم تألیف کرده است. از کاشانی آثار دیگری نیز در زمینه کلام، فلسفه و فقه در دست است و گویا رساله دیگری نیز در اثبات زمان موهوم نوشته است.

E-mail: mmm5135@yahoo.ca

E-mail: jamshasfand@yahoo.com

\*. عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.

\*\* عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.

در واقع محور اصلی آثار محمدزمان نقد نظرات مخالف است رساله مرآةالازمان نیز پیرامون یکی از غامضترین و مهمترین مسائل فلسفه یعنی زمان است که بویژه در سده یازدهم و دوازدهم پس از تبیین نظریه حدوث دهری میرداماد مجادلات فراوانی را برانگیخت و رسالات متعددی در این مورد به رشته تحریر درآمد.

کاشانی نیز در رساله خود با توجه به آراء آقا جمال خوانساری به نقد آراء میرداماد که در رساله «قبسات» آمده است می‌پردازد. وی در این زمینه به آراء فیلسوفان و متکلمان بویژه عالمان شیعه و همچنین قرآن و سنت اشاره دارد و در تأیید نظریه «زمان موهوم» به آن استناد می‌کند.

کتاب مرآةالازمان با مقدمه مهدی دهباشی و زیر نظر آقای مهدی محقق به مناسبت همایش بین‌المللی قرطبه و اصفهان به زیور طبع آراسته شده است. این کتاب شامل دو مقدمه است که مقدمه اول آن مقاله‌ای است از دکتر مهدی محقق با عنوان «فلسفه در جهان اسلام و ضرورت برگزاری همایش قرطبه و اصفهان» که ظاهراً متن سخنرانی ایشان در آن همایش بوده است و چنانکه از عنوان آن پیدا است ارتباطی با رساله مرآةالازمان و نویسنده آن ندارد (هفت تا بیست و چهار)

مقدمه دوم را مصحح کتاب نگاشته و شامل:

الف: شرح حال مولف و معرفی آثار علمی او (بیست و پنج تا بیست و هفت)  
ب: روش تصحیح و معرفی نسخه‌های خطی (بیست و هشت تا سی و پنج)  
ج: بررسی مطالب مرآةالازمان و تحلیل انتقادی از نظریه زمان موهوم (سی و شش تا شصت و چهار)

سپس متن رساله مرآةالازمان (ص ۱ تا ۱۱۰) و فهرست آیات، احادیث، نام اشخاص، نام کتابها و فهرست تعبیرات، اصطلاحات آمده است. (۱۱۱ تا ۱۲۲) همچنین مقاله‌ای به زبان انگلیسی از هرمان لندلت<sup>۱</sup> در موضوع فلسفه در جهان اسلام ضمیمه کتاب است.

از آنجا که این رساله بسیار شتابزده و به شکلی عجیب و غریب منتشر شده است ما در دو بخش به نقد آن می‌پردازیم. ابتدا به نقد مقدمه، شیوه تحقیق و فهارس و سپس اغلاط استنتاجی و یا چاپی رساله مرآةالازمان که تعداد آن نیز فراوان است می‌پردازیم.

## بخش یکم

### الف. نقد مقدمه مصحح

۱. با وجود اینکه بسیاری از صفحات این کتاب اختصاص به مطالبی دارد که ارتباطی با موضوع آن ندارد اما مصحح فقط سه صفحه را به شرح حال مؤلف و آثار علمی او اختصاص داده و توضیح بسیار مختصر، ناقص و شتابزده‌ای در مورد وی و آثارش ارائه کرده است. این در حالی است که هنوز هیچ تحقیق شایسته‌ای درباره‌ی وی و آثارش صورت نگرفته و برای خواننده چهره‌آشنایی نیست. بنابراین انتظار می‌رفت حداقل در حد متعارف درباره‌ی مؤلف اثر توضیحی ارائه شود. ضمن اینکه این بخش فاقد هر گونه ارجاع است و مصحح فقط در پایان به نام چند اثر اشاره کرده است.

۲. مصحح، کتابی را با عنوان «الزکاة بعد الخراج المؤمن» بدون هیچ توضیحی به مؤلف منسوب کرده است. ظاهراً این کتاب همان کتاب نورالهدی است و مصحح آنرا به اشتباه در کنار کتاب نورالهدی که موضوع آن زکات است به عنوان یک کتاب مستقل آورده است؛ زیرا اولاً در هیچ یک از منابعی که از آثار کاشانی یاد کرده‌اند مانند الذریعه، طبقات اعلام الشیعه، روضات الجنات، اعیان الشیعه، فواید الرضویه و فهرست نسخه‌های خطی مجلس، به این کتاب اشاره نشده. ثانیاً از آن جا که در آغاز کتاب نورالهدی شبیه به این عنوان آمده است: «الزکاة... بعد وضع جمع المؤمنات...» (حائری، عبدالحسین، فهرست نسخه‌های خطی مجلس، ج ۹، بخش دوم، ص ۶۸۱) محتمل است که این عنوان نام دیگری برای کتاب نورالهدی باشد.

حتی اگر به زعم مصحح محترم، کتابی با این عنوان از مؤلف وجود دارد شایسته بود حداقل توضیحی در حد یکی دو سطر درباره‌ی این کتاب و ماخذی که در آن از این کتاب نام برده شده ارائه می‌گردید.

۳. در کمال تعجب باید این را هم متذکر شد که مصحح در توضیح آثار کاشانی از یک اثر وی با عنوان «زمان مرهوم» که در نقد نظریه‌ی حدوث دهری میرداماد است (همان، ص ۶۷۹) و ارتباط وثیقی با رساله‌ی مرآة‌الازمان دارد سخنی به میان نیاورده است و پیداست که وی با این رساله و ماخذ آن که اطلاعات مفیدی درباره‌ی آثار و احوال کاشانی ارائه می‌کند (پیشین ۶۷۴ تا ۶۸۶۱) آشنایی نداشته و آنرا ندیده است!

۴. بخش سوم از مقدمه مصحح مقاله‌ای است با عنوان «بررسی مطالب مرآة‌الازمان و تحلیل انتقادی از نظریه‌ی زمان مرهوم» اما با کمال تعجب مشاهده می‌شود که هیچ

مطلبی از مرآةالازمان نقل نکرده تا به بررسی آن بپردازد. بنابراین گمان می‌رود که این بخش نیز مانند مقدمه اول این کتاب یک مقاله کاملاً مستقل است و اصولاً برای معرفی مرآةالازمان نوشته نشده است. این ظن هنگامی قوت می‌گیرد که خواننده مشاهده می‌کند با وجود اینکه در این بخش به آراء تعداد زیادی از فلاسفه و عالمان یونانی اسلام و غرب مانند افلاطون، ارسطو، ابن سینا، ابوالبرکات بغدادی، میرداماد، آقاجمال خوانساری، ملا اسماعیل خواجه‌یوی و حتی هانری کرین و ایزوتسو اشاره شده، اما به آراء مؤلف کتاب اشاره نشده و در واقع در کل مقاله ۲۹ صفحه‌ای آقای دکتر دهباشی با عنوان «بررسی مطالب مرآةالازمان» تنها طی سه سطر (!) از کاشانی و کتاب مرآةالازمان مطلب مربوطی آمده است (ص پنجاه و یک) و باقی مطالب مقاله در مقدمه کتاب جاسازی شده است.

در واقع همان مقاله‌ای را که آقای دکتر دهباشی به سال ۱۳۷۹ در شماره ۲۱ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان با عنوان «زمان موهوم از نظر حکیم متأله آخوند ملا اسماعیل خواجه‌یوی» منتشر کرده است، بدون حتی یک کلمه کم و کاست و فقط با افزودن بخشی مقدماتی با عنوان «نقد رساله مرآةالازمان...» در اینجا آورده در حالی که در آن حتی یک کلمه هم از مرآةالازمان نقل نکرده است.

۵. از سوی دیگر درباره ارجاعات مقاله هم نکات جالبی را می‌توان مطرح کرد به عنوان نمونه مصحح در این مقاله هیچ اشاره مستقیمی به آثار آقاجمال خوانساری نکرده بلکه برای ارائه آراء وی صرفاً به آثار منتقدان این نظر بویژه آراء ملا اسماعیل خواجه‌یوی در رساله «ابطال زمان موهوم» ارجاع می‌دهد.

ب. نقد شیوه تحقیق

۱. مصحح در کنار نسخه‌ای با علامت اختصاری (دا) متعلق به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و نسخه (مش) متعلق به کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد که ظاهراً مصحح در تکمیل افتادگی‌های نسخه اساس از آنها استفاده کرده است، از چهار نسخه موجود در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی نام برده اما به رؤیت آنها تصریح نکرده و تصویری نیز از صفحات اول و آخر آن ارائه نداده است.

۲. با اینکه مصحح تاکید کرده که برخی از افتادگی‌های نسخه «ک» را در مقایسه با نسخه‌های دیگر تکمیل کرده است اما به هیچ وجه در تمام ۱۱۰ صفحه متن تصحیح

شده به هیچ کدام از این نسخه‌ها هیچ اشاره‌ای ندارد. در چنین شرایطی مشخص نیست دیگر چه لزومی داشت که این نسخه‌ها با علامت اختصاری معرفی شوند؟  
۳. این متن فلسفی که در آن از ده‌اثر و دانشمند آنهم بیشتر با عناوینی چون محقق، علامه، سیدالمحققین و اسامی ناآشنا نام برده شده، فاقد هر گونه پاورقی و توضیح و تعلیق است که به نظر غریب می‌آید. این اشکال در بخش فهرست اسامی اشخاص هم وجود دارد.

### ج. نقد فهارس

۱. در فهرست آیات قرآن که تعداد آنها در کتاب انگشت شمار است، انتظار می‌رفت مصحح محترم نشانی آیه و سوره را مشخص می‌کرد.
۲. در فهرست نویسی معمولاً نام یک شخص که با عناوین متفاوت آمده است در یک فقره جمع می‌شود تا خواننده با رجوع به یک اسم از جستجوی نامها و عناوین دیگر شخص که معمولاً با حرف متفاوت آغاز می‌شود بی‌نیاز باشد. اما در فهرست پایان این کتاب نام اشخاص در فقرات مختلف آمده است. برای مثال نام محمد بن محمد زمان کاشانی در چهار فقره متفاوت ذکر شده است که عبارتند از:  
شیخ محمد بن محمد زمان بن الحسین... کاشانی، محمد بن محمد زمان، محمد بن محمد زمان کاشانی، محمد زمان!
۳. در این فهرست که با عنوان «نام اشخاص» آمده است، ما به جز نام اشخاص به نام گروه‌ها و فرقه‌ها هم برمی‌خوریم مانند: آل رسول، اشاعره، اصحاب کهف و العترة الطاهره، که این مورد هم خالی از دقت به نظر می‌رسد.
۴. در فهرست «تعبیرات و اصطلاحات» تنها به نه اصطلاح اشاره شده است اما اولاً این تعداد نسبت به اصطلاحات موجود در کتاب بسیار محدود و ناقص است زیرا در این کتاب ده‌ها اصطلاح و تعبیر فلسفی و کلامی وجود دارد و نمی‌توان آنرا به حساب فراموشکاری مصحح گذاشت. ثانیاً نحوه تنظیم شماره صفحات نیز در این قسمت معشوق است. مثلاً در مقابل اصطلاح «زمان موهوم» که در صفحات متعدد آمده فقط صفحه ۱۴ قید شده است اما در مقابل واژه «دهر» صفحات متعدد آورده شده است.
۵. مشکل عجیب دیگر این که هر چند این کتاب شامل دو صفحه‌بندی حروفی (برای مقدمه) و عددی (برای متن اصلی) است، ولی در فهرست نامها این دو

صفحه‌بندی تفکیک نشده است. حتی شماره صفحاتی که در فهرست آمده سوای از عددی یا حروفی، در برخی موارد با متن همخوانی ندارد. برای مثال اسامی حاج محمد ظاهر، حاج مهدی نراقی و حسین ماحوزی که در مقابل آنها شماره صفحه «۱» آمده است در صفحه «بیست و پنجم» که آغاز مقدمه مصحح است آمده است!

البته اگر این خطای فاحش براساس صفحه‌بندی مشخص تا پایان کتاب پیش می‌رفت با اضافه کردن عدد ۲۴ به همه اعداد فهرست اعلام می‌توانستیم معما را حل کنیم اما همانطور که ذکر شد این کتاب دو صفحه بندی دارد و باید برای یافتن نام مورد نظر هم صفحه متن اصلی را نگاه کرد و هم صفحه مقدمه را با اضافه کردن عدد ۲۴.

#### بخش دوم: غلط‌های استنساخی و چاپی

در متن تصحیح شده کتاب مرآة‌الازمان، غلط‌های استنساخی و چاپی و لغوی فراوانی وجود دارد که تقریباً در اکثر صفحات آن به چشم می‌خورد. این موارد را می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم نمود.

#### الف: اشتباهات حروف و کلمات

در بررسی متن تصحیح شده کتاب، به کلمات متعددی برمی‌خوریم که حروف آن کم یا زیاد شده و یا نقطه بر روی حروف وجود ندارد و یا حروف جابجا شده است و یا اینکه کلمه‌ای اشتبهاً تکرار شده است که در جدول زیر به آنها اشاره می‌شود.

صفحه	سطر	غلط	صحیح	توضیحات
۵۲-۱۲،۳	۷-۹-۱۷	طالب ثراه	طاب ثراه	
۴	۱۹	الترام	الترام	
۵	۵	هذالعدم	هذاالعدم	
۵	۱۶	الکاذیب	الاکاذیب	
۶	۳	حد	—	تکراری است
۶	۱۱	کذالک	کذلک	
۹-۷	۱۵-۱۳	مهیه	ماهیه	حذف الف فقط در ضرورت شعری جایز است

	نسبته	نسبته	۱۶	۷
	الافاضل	الافاضل	۱۴-۱۸	۱۵-۳۶
	المرتبة	المرتبه	۳	۲۵
	المتكلمين	المتكلمين	۱۸	۲۶
	المجيب	المجيب	۱۷	۲۹
	المسافة	المسافة	۱۵	۳۶
	مترتبة	مترته	۴	۳۸
	الشهور	الشهود	۸	۳۸
	سيأتي	سيأتي	۱۵-۳-۶	۲۴-۴۸-۹۴
کلمه از ریشه (قدر) و از باب تفعل می باشد	المتقدرة	المقتدرة	۱۳	۴۵
	المليين	المليين	۶	۴۶
در صورتی که مصدر باب تفعل باشد تشدید روی حرف دال حذف شود و در صورتی که مصدر با تفعل باشد که با توجه به مورد صفحه ۴۵ - سطر ۱۳ چنین به نظر می رسد، به شکل صحیح آن اشاره شد.	التقدريّة	التقديرية	۴	۵۶
	اختلفه	اختلفه	۱۵	۵۶
	لكنه	لكنه	۱۴	۵۸
حرف پ به جای حرف جرب چاپ شده است	بالمتوهم	پالمتوهم	۱۳	۵۹
تکراری است	—	له	۵	۵۹
	المتكلمين	المتكلمن	۱۹	۵۹
	تحقق	تحقق	۳	۶۳
ضمیر (ه) اضافی است چون کلمه دارای الف	بالمقايسة	بالمقايسته	۶	۶۴

ولام است و یک کلمه دوبار معرفه نمی شود.				
	حادثا	حادثا	۱۶	۶۵
	یؤیده	بویده	۵	۶۹
	هذه	هذیه	۱۴	۶۹
	سواسیة	سواسیه	۱۰	۷۵
حرف (ج) با حرف (ح) جابجا شده است	مرجح	مرحج	۱۵	۷۷
	الشَّيْئِيَّة	الشَّيْئِيَه	۲۱-۱۰	۸۵-۸۰
الف زینت به آخر فعل ماضی در صیغه جمع مذکر غایب افزوده می شود و فعل جمله مفرد مذکر غایب در زمان مضارع منفی به لای نفی می باشد.	لا یخلو	لا یخلوا	۱۴	۸۰
	نسبة	نسبته	۱	۸۳
	انحصار	انحصار	۱۸	۸۴
	المنتزعة	المنتزعه	۵	۸۶
	الضرورة	الضروره	۱۷	۸۸
	المستفاد	المستفاده	۳	۸۹
	ثلاثة	ثلثه	۸	۹۰
	المعیة	المعیه	۱۸	۹۰
	تقوم	يقوم	۱۳	۹۴
	ليترتب	ليرتب	۱۸	۹۵
	ذلك	ذالك	۱۵	۹۹
	صحيح	صحيحة	۴	۱۰۴
	والوسط	والوسط	۶	۱۰۸
	التفرقة	التفرقه	۹	۱۰۹
	لنعرض	لنعرض	۳	۱۱۰

دوره جدید سال پنجم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۶ (پیاپی ۳۶، ۳۷)



ب: غلطها و اشتباهات حرکات و علامات اعراب

در متن کتاب موارد بسیاری وجود دارد که علامت‌های کلمات به صورت جایجا نوشته شده و یا وجود ندارد؛ در این میان موارد مربوط به حروف مشدّد بسیار زیاد است و در باب حرکات اعراب کلمات و یا رعایت قواعد نحوی نیز مواردی به چشم می‌خورد که جدول زیر بیانگر آن است.

صفحه	سطر	غلط	صحیح	توضیحات
۲	۱۹	تکّمّمه	تکّمّمه	
۴	۹	متکّمّمّة	متکّمّمّة	تشدید دوم اضافی است
۶	۱۷	جایز	جائر	حرف عله پس از الف زاید تبدیل به همزه می‌شود؛ ریشه کلمه (جوز) می‌باشد
۱۰	۴	امر	أمر	خبر برای مبتدا و مرفوع است
۱۳	۷	سایر	سائر	حرف عله پس از الف زاید تبدیل به همزه می‌شود؛ ریشه کلمه (سیر) می‌باشد
۱۳	۱۷	کونه	کونه	مضاف الیه و مجرور
۱۳	۲۰	عنده	عنده	الف کوچک روی نون اضافی است
۱۷	۱۹	فایده	فائدة	حرف عله پس از الف زاید تبدیل به همزه می‌شود؛ ریشه کلمه (فید) می‌باشد
۱۸	۳	تکّمّمه	تکّمّمه	
۲۰	۲	التقصی	التقصی	
۲۰	۶	الکرة	الکرة	تشدید اضافی است
۲۰	۸	المذكورة	المذكورة	
۲۰	۱۷	متقض	متقض	
۲۱	۱۲	المبدأ	المبدأ	
۲۲	۳	متّصلة	متّصلة	

	أَنْفًا	أَنْفَا	٦	٢٢
	يَرْكَبُ	يَرْكَبَ	٥	٢٨
	لَأَبْدِيَّةٍ	لَأَبْدِيَّةَ	١	٢٩
	يَتَّصِفُ	يَتَّصِفَ	١١	٢٩
	مُتَّصِفًا	مُتَّصِفَا	٢١	٢٩
	التَّقْضَى	التَّقْضَى	١٦	٣٠
	التَّسْمِيَةِ	التَّسْمِيَةَ	٢	٣٢
	التَّرْدِيدِ	التَّرْدِيدَ	١	٣٤
	أَعْمُ	أَعْمَ	٣	٣٤
حرف عله پس از الف زاید تبدیل به همزه می شود؛ ریشه کلمه (لوح) می باشد	لَاوْحٍ	لَاوِحٍ	٧	٣٥
حرف عله پس از الف زاید تبدیل به همزه می شود؛ ریشه کلمه (روح) می باشد	رَائِحَةٍ	رَائِحَةَ	٨	٣٥
	فِي أَنْ	فِي ان	٦	٣٧
	التَّصْرِيحِ	التَّصْرِيحَ	١٩	٣٧
	التَّوْبَةِ	التَّوْبَةَ	٧	٣٨
	عَدُولٍ	عَدُولَ	١٢	٤١
	مُتَكَمِّمًا	مُتَكَمِّمَا	١٥	٤١
	يَتَّصِفُ	يَتَّصِفَ	٥	٤٢
	مَعْدُومٍ	مَعْدُومَ	٢	٤٣
	خِصْوَمُهُم	خِصْوَمَهُم	٣	٤٣
	الَّذِي	الَّذَى	١١	٤٣
	التَّكْمِمِ	التَّكْمِمَ	١٦	٤٣
	التَّقْضَى	التَّقْضَى	١٦	٤٣
	يَتَّصِفُ	يَتَّصِفَ	٢١	٤٥
	الشَّرْعِ	الشَّرْعَ	١٠	٤٦

	انفا	انفا	۱۵	۴۶
	التّمادی	التّمادی	۲۱	۴۸
	توهم	توهم	۵	۴۹
	الکّم	الکّم	۱۲	۴۹
	یتّصف	یتّصف	۱۴	۴۹
	توهم	توهم	۸	۵۰
	تحدّها	تحدّها	۲	۵۳
	اعّم	اعّم	۲۰	۵۴
	أَنَّ	أَنَّ	۱	۵۵
	قرّه	قرّه	۴	۵۵
	یتّصف	یتّصف	۱۱	۵۵
	اللانهاية	اللانهاية	۱	۵۶
	تکرّر	تکرّر	۱	۵۶
	مستدلّ	مستدلّ	۲	۵۶
	تکّممه	تکّممه	۶	۵۶
	تقدّر	تقدّر	۸	۵۶
	توهموه	توهموه	۱۴	۵۶
	قرّه	قرّه	۱۶	۵۶
	المستدلّ	المستدلّ	۱۷	۵۶
	عبرّ	عبرّ	۲۰	۵۶
	تکرّر	تکرّر	۱۹	۵۷
	نکرّه	نکرّه	۱۹	۵۷
	التّصرّم	التّصرّم	۹	۵۹
	قرّه	قرّه	۱۷	۵۹
	قرّر	قرّر	۱۲-۹	۶۰
	معیه	معیه	۱	۶۱
	الکّم	الکّم	۱۸	۶۱
	بمجرّد	بمجرّد	۲۰	۶۱

	الاتصاف	الاتصاف	۴	۶۲
	المحققون	المحققون	۱۱	۶۲
	کرّره	کرّره	۱۱	۶۴
	قرّره - کرّره	قرّره - کرّره	۱۸	۶۴
	فسّر	فسّر	۲۰	۶۴
	فسّر	فسّر	۱۰	۶۶
حرف عله پس از الف زاید تبدیل به همزه می شود؛ ریشه کلمه (قید) می باشد	فائدة	فايدة	۴	۶۷
	یؤیّده	یؤیّده	۵	۶۹
	بلا امتراء	بلا امتراء	۳	۶۹
	فسّر	فسّر	۱۹	۶۹
	یتربّ	یتربّ		۷۱
	یصحّ	یصحّ	۵	۷۲
	أجیب	اجیب	۱۴	۷۲
	تحقّقه	تحفه	۱۵	۷۲
	ابدیاً	ابدیا	۷	۷۳
	التمادی	التمادی	۱۷	۷۳
	یصحّ	یصحّ	۲-۱	۷۴
	لکنّه	لکنه	۱۴	۷۴
	یصحّ	یصحّ	۵-۴	۷۵
	الأمری	الامرئ	۱۸	۷۵
	لیس	لیس	۳	۸۰
	یتحاشون	یتحاشون	۵	۸۰
	اتّضح	اتضح	۱۴	۸۳
	کتمّی	کتمّی	۱۵	۸۴
	أحدهما	إحدهما	۱۲	۸۶
	الرّوایة	الرّوایة	۲۱	۸۶

	العلم	العلم	۱۸	۸۷
	اتَّفَق	اتفق	۵	۸۸
حرف عله در مصدر باب تفاعل تبدیل به همزه نمی شود.	تباين	تبائن	۱۰	۸۸
حرف عله پس از الف زاید تبدیل به همزه می شود؛	الشَّرَائِع	الشرايع	۱۲	۸۸
	الضَّرورة	الضروة	۱۷	۸۸
	زَيْف	زيف	۱۴	۸۹
	العَلَام	العلّام	۵	۹۰
	لَيْسَ	ليس	۸	۹۱
	مَعِيَّة	معيه	۲۰	۹۱
	تَعْيَرًا	تغيرا	۲۱	۹۱
	المَعِيَّة	المعية	۴	۹۲
	مَعِيَّة	معيه	۸	۹۲
	مَتَعَيَّرَة	متغيره	۸	۹۲
	مَتَكَثَّرَة	متكثرة	۱۳	۹۲
	مَتَقَدَّرَة	متقدرة	۶	۹۳
	يَمَدُّ	يمد	۱۶	۹۳
	صَّرِيح	صريح	۶	۹۴
	كَالِكَمِّ	كالكم	۵	۹۶
	القَارَّ	القار	۷	۹۶
	لَتَأْتِي	لتاتي	۱۵	۹۶
حرف عله پس از الف زاید تبدیل به همزه می شود؛	الشَّرَائِع	الشرايع	۲۰	۹۶
	الْخَلَاتِق	الخلايق		۹۸
	يُعَبَّرُ	يعبر	۱	۱۰۰
	الشَّمْس	الشمس	۱	۱۰۰
	الليْس	الليس	۱۰	۱۰۰

	قرّنا	قرّنا	۱۷	۱۰۲
	التّدبر	التّدبر	۱۰	۱۰۳
حرف عله پس از الف زاید تبدیل به همزه می شود؛	الشّراط	الشّراط	۱۸	۱۰۶
	القیوم	القیوم	۱۲	۱۰۷
	للعام	للعام	۹	۱۱۰
	تألّفت	تألّفت	۱۱	۱۱۰

با این توضیحات به نظر می‌رسد که بر روی رساله مرآة‌الازمان نه پژوهش و نه نقد علمی صورت گرفته است و با توجه به اینکه نسخه‌های مرآة‌الازمان که مصحح تصاویری از آن را نشان داده است خوانا می‌باشد، به نظر می‌رسد چنین کاری را یک حروف‌چین علاقمند نیز می‌توانست انجام دهد که اگر این کار ثواب را انجام می‌داد دیگر نباید عنوان «تصحیح، و تحقیق و نقد» را برای آن به کار می‌برد.

